



خانواده در مسیر عشق علیه السلام



زیارت اربعین آمده آنجا که می گوید: «وَمَنْحَ التُّصْحَ وَتَذَلُّ مُهْجَتَهُ فَيَكُ لِيَسْتَقْبِلَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَخَيْرِهِ الصَّلَاةُ...»
خوانند! او خون قلبش را در راه تو داد تا بندگان تو را از نادانی و سرگردانی ناشی از گمراهی برهاند...

حال در مسیر اربعین حضوری را شاهدیم که حیرت را برمی انگیزاند و سؤال این است که این خانواده ها با فرهنگ و رسوم مختلف چگونه در این مسیر به رغم همه اختلاف ها کنار هم جمع می شوند و مظاهر اخلاقی و انسانی را در عالی ترین درجه بروز می دهند؟ چگونه مادر و فرزندان خانواده عراقی نان و پنیر می خورند و در یک اتاق کوچک خانه استراحت می کنند اما بهترین غذا و بهترین فضای خانه خود را در اختیار خانواده دیگری قرار می دهند؟

در این عظیم ترین راهپیمایی بشری روی کره زمین، انواع علت ها در کار است اما علت غایی یکی است و آن چیزی نیست جز عشق به اقامه حق و حقیقت و رسیدن به آزادی و آگاهی. همان که امام عشق علیه السلام برای زنده نگه داشتن آن با خانواده در این مسیر خون خود را فدا کرد.

قدم نهادن در این راه و همراه شدن با این مدرسه بزرگ در حال حرکت، تأثیرات بزرگ تربیتی و معنوی دارد که اگر در بعد از این همراهی در میان اعضای خانواده و اعضای یک جامعه پا برجا بماند و الگو شود، دیگر همه در هر خانواده ای در مسیر عشق علیه السلام خواهند بود. خلاصه آن که پیاده روی اربعین بازار گرم داد و ستد عاشقی است. مهمان و میزبان هر دو عاشقند و از جلوه های زیبای این حرکت، حضور با خانواده است. همسرانی که در طول مسیر راز محبت را می چشند و برخی گاه به گاه کالسکه طفل خود را در دست به پیش می رانند و بی هیچ توقعی دوش به دوش هم به یاد امام حسین (ع) و خانواده اش این راه طولانی را طی می کنند تا بتوانند راه طولانی زندگی مشترک را هم دوشادوش هم طی کنند.

در این مسیر ویژگی های خوب اخلاقی پررنگ تر از هر زمان و مکان است و از جمله وجوه قابل توجه این که زنان از دختران کودک و نوجوان و جوان تا خانم میانسال همه در این فضا محترم و با عزت اند و اینجا مجال بیان بیشتر درباره حضور زنان نیست. فقط باید گفت این چنین است که در انتهای تاریخی این مسیر با خود می گوئیم: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تَعُزُّ بِهَا الْإِسْلَامُ وَأَهْلُهُ وَتُذِلُّ بِهَا الْبِغَاةَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

اشخاصی که تجربه سفر به زیارت اربعین حسینی را دارند، تقریباً مصادیقی ضروری اما در عمل دشوار را در سبک زندگی در بازه زمانی پیاده روی اربعین مشاهده کرده اند. چیزی که نشأت گرفته از عشق است، عشق به امام حسین (ع) و انرژی بزرگی که از این عشق حاصل شده و به کلام و کلمه قابل وصف نیست.

باید پرسید مقصود از این همه شور و غوغا و جنب و جوش چیست؟ خانواده های عراقی با چه انگیزه و ذیل کدام تربیت این چنین خدمت می کنند؟ چگونه بی هیچ توقعی با رضایت و مشتاقانه تمام خانه و زندگی خود را صرف پذیرایی از زائران می کنند؟ این میلیون ها زائر و خانواده هایی که از کشورهای دور و نزدیک برای زیارت می آیند و کار و زندگی خود را رها می کنند و قدم در راهپیمایی ۸۰ کیلومتری می نهند، چه انگیزه ای دارند و به دنبال چه هدف و مقصودی هستند؟

شاید نخستین جواب به این سوال ها «زیارت» است؛ دیدار ... و این دیدار چه دارد که همه اعضای خانواده در مسیر رسیدن، تمام مصادیق تواضع، همدلی، همراهی، گذشت و حتی دلدادی را در حد اعلای آن در حق یکدیگر رعایت می کنند. پیاده روی اربعین در شکل کنونی اش آیینی نوظهور و پدیده ای اجتماعی و فرهنگی است که روایت های گوناگون از آن شنیدنی است. روایت «خانواده» اما در این آیین، روایتی است از جنس سبک زندگی اسلامی؛ مدلی که گویی گوشزد می کند این تمرین عاشقانه را در طول زندگی ات جاری کن.

اگر یک شخص خارجی غیرمسلمان که امام حسین (ع) را نمی شناسد، شاهد این مراسم باشکوه باشد، قاعدتاً این سؤال برایش پیش می آید مگر او کیست که این گونه انبوه پیر و جوان، زن و مرد، نوجوان و کودک، تحصیل کرده و عامی همه و همه مشتاقانه به سوی او می آیند...؟ حتی در این سال ها حضور خانواده ها با فرزندان در این مسیر وجهی است قابل تأمل؛ چرا که امام حسین (ع) نزدیک به ۱۴۰۰ سال پیش در کربلا در یک نیمروز با یارانی اندک و با همه اعضای خانواده اعم از زنان و کودکان در برابر سپاهی انبوه جنگید و او و همه مردان همراهش و حتی طفل شش ماهه اش شهید شدند و همه زنان و کودکان خانواده او به اسارت درآمدند.

سؤال مهم تر این است انگیزه امام چه بود که با خانواده در چنین پیکاری حاضر شد؟ در یک کلام خلاصه مقصود امام در عبارت معروف

منصوره سادات

مرتضوی

چاردیواری

یادداشت

بیماری های روان تنی

هفته اولی که اوامده بودی دفتر

مشاوره رو یادت هست؟!

یاسمن همزمان با تکان دادن

سرش گفت: یادمه. همون

روزی که از درد معده به خودم

می پیچیدم.

-درسته! منظورم همون جلسه است. یادمه بهت قول

داده بودم شرایطی رو که تجربه می کردی برات توضیح بدم.

تو اون روز گونه ای از درد رو تجربه کردی که منشأ ایجادش

در فشار روحی جلسات امتحانت بود؛ یعنی استرس

موقعیت و تنش های روحی باعث ایجاد دردهای بدنی

طاهره محمدی

چاردیواری

بیماری های «سایکو سوماتیک» که طی جلسات هفته های قبل بارها اسمش رو تکرار کردم، به صورت اختلال بدنی که تحت تأثیر ذهن قرار داره یا در شدیدترین حالت، توسط ذهن ایجاد شده تعریف می شه. تشخیص اختلال روان تنی، زمانی صورت می گیره که یه اختلال با آسیب جسمانی شناخته شده وجود داشته باشه و رویدادهایی که از نظر روان شناختی معنادار هستند، قبل از اختلال واقع شده و به شروع یا وخیم تر شدن اون کمک کنن.

احتمالاً تجربه کردی و یا حتی شنیدی که در بعضی مواقع وقتی افراد به پزشک مراجعه می کنن و شکایت دردهای مفصلی و یا بدنی مثل معده درد و کمر درد دارند، با این پاسخ مواجه می شن که: منشأ درد عصبیه. دردهای عصبی دقیقاً زیرمجموعه دردهایی هستند که به واسطه فشارهای فکری یا تنش های روحی ایجاد می شن. عوامل روانی توانایی این رو دارند که شرایط جسمانی متعددی رو در تعداد زیادی از دستگاه های بدنی تحت تأثیر قرار بدن؛ دستگاه هایی مثل: دستگاه تنفسی (وقتی احساس تنگی نفس های هیجانی رو تجربه می کنیم) دستگاه قلبی-عروقی، پوست و دستگاه معده و روده ای و اندام های حسی اما هر آدمی ممکنه تنه یه عضو از دستگاه بدنی اش آسیب پذیر باشه.

یاسمن با مکثی طولانی گفت: من احتمالاً عضو آسیب پذیر بدنم نسبت به شرایط استرس آور، معده ام بوده.

-آفرین! همین طوره، پس برای همین ما باید عضوی که نیاز به قوی سازی و توجه بیشتر داره رو قوی تر کنیم. موافقی برای آشنایی با راه حل این قضیه، هفته آینده مفصل تر صحبت کنیم؟

+موافقم و برای هفته آینده بی صبرانه منتظرم.

